

تأثيرات طلاق بر فرزندان



پدیده طلاق پدیده‌ای است که متأسفانه آمارش نه تنها در مملکت ما، بلکه در تمام جهان رو به افزایش است. مشکلاتی از قبیل فقر، عدم درک متقابل، دخالت خانواده، اعتیاد، ازدواج مجدد و غیره عواملی هستند که این آمار را بالا می‌برند و کافی است که در این میان یک راهنمای درست و منطقی وجود نداشته باشد، گرچه این روزها طلاق بیشتر چیزی شبیه به مُد شده تا یک پدیده. به امید روزی که هیچ‌گاه شاهد چنین اتفاقات تلخی نباشیم.

تأثیرات طلاق در فرزندان را می‌توان به ترتیب زیر طبقه بندی کرد:

۱- ایجاد زمینه های وسواس در دختران و پسران:

(وسواس تکرار بدون اراده و افراطی اعمال و کارهای روزمره است)

۲- **بروز افسردگی در کودکان و نوجوانان:** در این نوع بیماری اجتماعی، فرد فاقد احساس لذت یا درک کمتری از زندگی روزمره است، بی‌اشتهایی بر او چیره شده و خستگی به طور مداوم در ارگانیزم بدن وی مشاهده می‌شود.

۳- **به وجود آوردن زمینه های اضطراب:** در نوجوانان حالتی شبیه به احساس ترس، نگرانی و تشویش به وجود می‌آید. در این بیماری علائم بیم از آینده در رفتار نوجوانان مشهود است. نوجوان با توجه به سستی مبانی خانواده از تفکر در مورد برنامه ریزی بدون برای حرکت های دسته جمعی و گروهی وحشت دارد.

۴- **ایجاد روحیه پرخاشگری و عصیان در نوجوانان:** نتیجه محرومیت های مداوم از مهر و محبت پدری است. در این نوع بیماری چون نوجوان امکان مذاکره حضوری و مستقیم و متقابل با پدر و مادر خود را نمی‌یابد و از طرفی سؤال های خود را بی‌جواب می‌بیند، روحیه عصیان و پرخاشگری در او به وجود می‌آید. رفتارهای پرخاشگرانه در اعمال و گفتار

نوجوانانی که خانواده های آنان از همدیگر جدا شده اند کاملاً مشهود است.

۵. بی قراری: این بیماری با شدت و ضعف در نوجوانان خانواده هایی که شاهد جدایی پدر و مادر خود بوده اند مشاهده می شود. حالتی که فرد در مقابل هرگونه عاملی تحریک پذیر است یعنی حتی در مقابل محرک های ضعیف عکس العمل شدید نشان می دهد.

۶. حسادت سوءظن و سماجت: در نوجوانان خانواده هایی که والدین آنها از هم جدا شده اند این حساسیت ها دیده شده است. این گروه از نوجوانان در مقابل همراهان و همسالان خود حساسیت بیشتر و زیاده از حد نشان می دهند.

طلاق در بسیاری از موارد و مواقع ضروری است و زوجین ناگزیر به قبول این امر هستند. ولی در اغلب موارد جدایی ها در نتیجه توقعات بیجای احساسی، اقتصادی و عاطفی زوجین از همدیگر، سوءظن و بدبینی بی مورد، نداشتن صبر و گذشت در زندگی، حسادت بیش از حد زن و شوهر، پرخاشگری و تندخویی زن یا مرد و غرور و خودخواهی بی مورد صورت می گیرد.

بدیهی است درگیری های خانوادگی و مشاجره های پدر و مادر در حضور فرزندان، تأثیرات روحی شدیدی بر کودکان و نوجوانان ناظر بر صحنه می گذارند و در رفتارهای پرخاشگرانه کودکان و نوجوانان اثر مزمن بر جای خواهد گذاشت. به طور کلی کودکان و نوجوانان مرگ پدر و مادر خود را راحت تر از طلاق آنان پذیرا هستند، در فوت پدر و مادر پیوندهای عاطفی، شخصیتی و احساسی و رشته های ارتباط روانی گسسته نمی شود یا کمتر سست می شود و افسردگی و ملال، کوتاه مدت و زودگذر است. در حالی که آثار طویل المدت طلاق در پسران و دختران بیشتر است و مشکلات ناسازگاری در تشکیل خانواده را به وجود می آورد.

آنچه از پژوهش ها در امر طلاق برمی آید این است که دختران خانواده های تک سرپرست یعنی آنها که فقط با پدر یا مادر به سر می برند در معرض عوارض نامطلوبی چون انحرافات ازدواج زودرس، فرار از خانه و ترک تحصیل قراردارند. این امر در مورد گروه های اجتماعی و طبقاتی نیز صدق می کند.

بچه هايي كه فقط با پدر يا مادر خود زندگي مي کنند، اغلب دستخوش اختلالات عاطفي و رواني مي شوند. اکثر قربانيان طلاق كه همان کودکان و نوجوانان هستند به مادران خود بيشتر نزديك هستند تا پدر، زيرا پدر جدا شده از مادر با بچه هاي خود بيشتر مثل يك خوبشاوند رفتار مي کند تا فرزند حال آنکه مادر هرگز از کودکش فاصله نمي گيرد و مهر و محبت و احساس مادري را زير پا نمي گذارد.

البته وقتي پاي نامادري و ناپدري به ميان مي آيد تحول و پيچيدگي خاصي در زندگي کودکان و نوجوانان به وجود مي آيد.

آشنايي کودک و نوجوان با بستگان جديد، خواهرها، برادرها، دايي ها و عموهاي نانتني گرچه گستره اي از دنياي تازه و متفاوت به وجود مي آورد ولي اغلب فرزندان در جوار ناپدري و نامادري احساس خوشبختي و شادمانی نمي کنند. گرچه ممکن است زن يا شوهر با همسر جديد خود کاملاً خوشبخت باشد.



در ايران بيشتر بچه هاي فراري و نوجوانان ساکن در كانون اصلاح و تربيت را قربانيان طلاق تشکيل مي دهند . بچه هايي كه فقط با پدر يا مادر خود زندگي مي کنند، اغلب دستخوش اختلالات عاطفي و رواني مي شوند. اکثر قربانيان طلاق كه همان کودکان و نوجوانان هستند به مادران خود بيشتر نزديك هستند تا پدر، زيرا پدر جدا شده از مادر با بچه هاي خود بيشتر مثل يك خوبشاوند رفتار مي کند تا فرزند حال آنکه مادر هرگز از کودکش فاصله نمي گيرد و مهر و محبت و احساس مادري را زير پا نمي گذارد. به قول يك جامعه شناس «هر طلاق مرگ تمدن كوچك خانواده

است» اجبار و الزام به طلاق را در موارد و شرایط خاصی از زندگی مشترک باید پذیرا بود. براساس قوانین اجتماع احترام به آزادی های فردی ضرورتی اجتناب ناپذیر است ولی قبل از هر جدایی به میوه های نارس درخت زندگی بیندیشیم، نگذاریم ناهنجاری های جامعه آنها را مسموم کند. تعجیل در داشتن فرزند در سال های خطر زندگی مشترک (سال های اول و دوم اصولاً سال های خطر برای زوج های جوان به شمار می رود) که ظاهراً برای تحکیم مبانی خانواده انجام می پذیرد کاری است که باید با تعمق صورت بگیرد زیرا در صورتی که به علل مختلف یاد شده بین زوجین جدایی روی دهد نخستین قربانیان، فرزندان خواهند بود که از نفاق و تفرقه زوجین به جای مانده اند. **پس بیایم عاقلانه بیندیشیم تا:**

- ازدواج با بصیرت و بررسی صورت پذیرد.
- گروه های شغلی و طبقاتی مدنظر دختر، پسر و خانواده های آنان قرار گیرد.
- صداقت در گفتار ملاک باشد و از هرگونه دروغ مصلحتی برای ایجاد زمینه های وصلت جلوگیری شود.
- ملاک گزینش همسر، ایمان، تدین، صفا و همدلی باشد.
- شناخت کافی از خصوصیات اخلاقی، روحی و خانوادگی زوجین حاصل شود.
- سادگی، بی پیرایگی، قناعت، صبوری و محبت ستون های زندگی مشترک و زناشویی را تشکیل دهد.
- در این صورت جغد طلاق بر بام زندگی ها نخواهد نشست و باد خزان در بوستان های زندگی وزیدن نخواهد گرفت.
- بهرتر است برای ساماندهی به وضعیت زندگی کودکان و نوجوانان تک سرپرست که ناگزیرند زیر نظر پدر یا مادر خود زندگی کنند «واحد مددکاران ویژه طلاق» تشکیل شود تا قبل از صدور حکم پدران و مادران را در اعمال و رفتاری که باید بعد از طلاق با فرزندان خود داشته باشند توجیه کنند. به پدران و مادران باید آموزش داده شود که از بدگویی و بازگویی عیوب و نقایص یکدیگر پیش فرزندان خود (بعد از اجرای حکم طلاق) احتراز نموده و مظلوم نمایی نکنند، چون فرزند باید واقعیت جدایی

پدر و مادر را به عنوان يك الزام و ضرورت زندگي پذيرا باشد و جاگاه حرمت متقابل پدر و مادر را حفظ کند.

تداوم ارتباط و تماس مددکاران ویژه طلاق با خانواده فرزندان تك سرپرست براي بررسي و حل مشكلات رواني - اجتماعي در سال هاي بعد از طلاق ضرورت ديگري است که از معضلات و نارسايي هاي احتمالي کودکان و نوجوانان جلوگیری می کند. بدیهي است گروه مددکاران ویژه طلاق باید دوره هاي کوتاه مدت روان شناسي کودک، روان شناسي خانواده و روان شناسي اجتماعي را بگذرانند و با مسائل بزهکاري و ناهنجاري هاي کودکان و نوجوانان آشنا شوند.

منبع

بچه هاي طلاق- دکتر تايير - مترجم : تورانداخت تمدن ، با مقدمه اي از دکتر قاسم قاضي- انتشارات : خاتون

به نقل از:

سایت تبیان

<http://www.tebyan.net>